

معرفی و تصحیح مثنوی "پیر رومی"

☆☆ داکتر محمد صابر ☆☆

Abstract:

Moulana Jalaluddin Rumi is one of the most celebrated Sufi poets in the Persian world. There are so many poets in sub-continent who followed his footsteps and narrated poems in reception of his mathnawi. In this article as mathnawi narrated by an unknown poet of sub-continent has been edited and introduced. Although its title suggests that the poet was the follower of Rumi but a study in depth reveals that it has nothing to do with the main theme of Rumi's mathnawi. This mystic poem shows that its narrator was a skillfull poet.

Key words: Persian literature, Sub-continent, Mathnawi
Peer-e-Rumi, Manuscript, Editing and Analysis.

این مثنوی سروده شاعر ناشناس در ذخیره گنجینه آذر (نوشاهی، ۳۰۳) در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود. (۱) نسخه ای دیگر (بشیر حسین، ۱۶۹) از همین مثنوی در ذخیره مخطوطات شیرانی نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود. (۲) غیر از نسخ یاد شده نسخه های دیگر نیز در فهرست مشترک ذکر شده است. (۳) ذکری از همین مثنوی در یک پایان نامه دکتری فارسی هم آمده است. (۴) نسخه خطی گنجینه آذر مشتمل بر ۱۰۸ بیت و نسخه خطی ذخیره

☆ لیکچرار شعبه فارسی، گورنمنٹ کالج برائے خواتین باغبانپورہ، لاهور

☆☆ اسٹنٹ پروفیسر شعبه فارسی، پنجاب یونیورسٹی، لاهور

مخطوطات شیرانی مشتمل بر ۹۷ بیت می باشد. بنا بر این نسخه اول الذکر را نسخه اساس و نسخه آخر الذکر را نسخه بدل قرار داده ایم. شایسته است ذکر شود که چهار نسخه خطی از همین اثر در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد و علاوه بر آن يك نسخه دیگر از همان اثر در کتابخانه شخصی سردار جهندیر در جنوب ایالت پنجاب نگهداری می شود.

خلاصه مثنوی:

شاعر در آغاز مثنوی به یاد حکایتی از پیامبر گرامی اسلام می پردازد، و بر آن است که پیامبر برای شفاعت مسلمانان بسیار تلاش کرده است. به گفته وی حضرت محمد مصطفی دایم شب بیداری می کرد، اما يك شب اتفاقاً خوابش برد. همان زمان ندای غیبی به گوش مبارك وی رسید که ای محمد، تو را هرگز شایسته نیست که در شبها به خواب ناز فرو بروی. پس من امت تو را هرگز عفو نخواهم کرد، و همه آنها را در دوزخ می اندازم. پیامبر اکرم فوری بیدار شد، برخاست، بشدت ناراحت شد، و از شهر دوری جست. دو سه روز در همین حالت انزوا بسر آمد. یاران و اصحاب پیامبر نگران و جویای وی شدند. حضرت عایشه، ام المومنین، سراسر قصه را برای آنها تعریف کرد. اصحاب پیامبر در جستجوی وی روی به صحرا آوردند. يك چوپان خبر داد که از چند روز گذشته از میان کوه صدای ناله و زاری می آید. چون اصحاب جلو رفتند، دیدند که در میان کوهها در درون يك غار آن صدرکبار در حضور پروردگار سر به سجده، حق هق گریه می کند، و همچون ابر بهار اشک از چشمانش سرازیر می شود. اصحاب گرامی از جمله حضرت ابوبکر صدیق، حضرت عمر بن خطاب، حضرت عثمان بن عفان و حضرت علی ابن ابی طالب یگان یگان صدق و صفا، صداقت و عدالت، طاعت و عبادت، و بندگی و دادگستری را در حضور پیامبر اکرم تقدیم نمودند. اما پیامبر هرگز آرام نمی شد، و از گریه و زاری نمی آسود. سرانجام همه پیش حضرت فاطمه الزهرا، دختر نازنین پیامبر، حضور پیدا کردند و قصه را برای ایشان بازگو کردند. آن خیر النساء جادر بسر کرده، شتابان پیش پیامبر رسید، و

چون دید که از هیچگونه گفتگویی سود نمی جوید. سر به سجده نهاد و به شهادت حرمت اشک پدر بزرگوارش، از خداوند مطلق فریاد کرد که جمله امت محمدی را از غم و اندوه رهایی بخشد. همان دم حضرت جبرائیل از سوی رب العلیل مژده آورد که دعای دختر رسول مستجاب گردیده است.

ویژگیهای هنری:

- بیت ۳: چهار یار: تلمیح؛ اشاره به چهار خلیفه اسلام از جمله ابو بکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان و علی ابن ابی طالب
- بیت ۶: ناز، نیاز: جناس ناقص
- بیت ۱۰: عام و خاص: صنعت تضاد؛ خاص، خلاص: جناس ناقص
- بیت ۱۱: خیر البشر: لقب پیغمبر اسلام
- بیت ۱۲: کس، بس: جناس ناقص
- بیت ۱۷: عتاب، عذاب: جناس ناقص
- بیت ۲۳: خون دل خوردن: کنایه از رنج و الم کشیدن
- بیت ۲۴: جوی، روی: جناس ناقص
- بیت ۳۰: آب از دیده ریختن: کنایه از اشک افشاندن و گریستن
- بیت ۳۸: همچون ابر بهار اشک باریدن: کنایه از بی نهایت گریستن
- بیت ۳۹: جگر خون شدن: کنایه از بی نهایت غمگین شدن
- بیت ۴۴: رفیق، شفیق: جناس جاقص
- بیت ۴۵: نفع، دفع: جناس ناقص
- بیت ۵۵: آسان و دشوار: صنعت تضاد
- بیت ۶۷: که، مه: صنعت تضاد، جناس ناقص
- بیت ۶۸: خیر النساء: لقب حضرت فاطمة الزهرا
- بیت ۶۹: مانند باد رفتن: کنایه از تند رفتن، شتافتن

بیت ۸۵: عام و خاص : صنعت تضاد

بیت ۸۸: سیلی خونِ ناب از مژگان گشادن: کنایه از اشک ریختن و غصه خوردن

بیت ۱۰۰: روح الامین: لقب حضرت جبرائیل

مثنوی "پیر رومی"

- ۱ يك حكايت ياد آمد^۱ از رسول باد مقبول همه اهل قبول
- ۲ تا كه معلوم تو گردد همّتش تا چه حدّ است اُمتان را شفقتش
- ۳ بعد زان آيم به مدح چار يار ای برادر يك زمانی گوش دار
- ۴ جمله شبها مصطفی بیدار بود اتفاقاً يك شبی خوابش ربود
- ۵ اندر آن شب هم به فرمانِ خدا^۲ این پیام^۳ آمد به گوش مصطفی
- ۶ چون محمد بود اندر خوابِ ناز ناگهان آمد خطاب از بی نیاز^۴
- ۷ "کای^۵ محمد خواب تو زینده نیست هر که در خدمت نباشد بنده نیست
- ۸ آفریدم من تو را از بهر آن تا شوی پشت پناه اُمتان^۶
- ۹ چون تو پردازی به خواب نیم شب کردم اکنون امتانت را غضب
- ۱۰ دوزخ اندازم همه از عام و خاص يك تن ایشان^۷ را نگردانم خلاص"
- ۱۱ چون شنید این قصه را خیر البشر شد از آنجا امتی گویان به در
- ۱۲ رفت زانجا و ندیدش^۸ هیچکس داند او را عالم الاسرار بس
- ۱۳ چونکه دو روزی^۹ گذشت این قصه را خون دل خوردند یاران غصه را
- ۱۴ جمله یارانی ز روی اشتیاق ناله می کردند از درد^{۱۰} افراق
- ۱۵ عاقبت روز سیوم بعد از نماز جمله پیش عایشه رفتند باز
- ۱۶ چون پرسیدند ز اُمّ المؤمنین داد ایشان را جواب این چنین
- ۱۷ گفت: "دوشینه رسید از حق عتاب^{۱۱} امتان را آیت از بهر عذاب

- ۱۸ چونکه این آیت به گوش او رسید شد برون از حجره، او را کس ندید" ۱۲
- ۱۹ این چنین برخاست از یاران غریب لرزه ای افتاد اندر جن و دیو
- ۲۰ جمله یاران ناله و زاری کنان رو به صحرا آوردند آن زمان
- ۲۱ ناگهان دیدند چوپانی ۱۳ ز دور گشت پیدا در دل ایشان سرور
- ۲۲ پیش او رفتند پرسیدند از او: "کای! خبر داری ز پیغمبر بگو
- ۲۳ شد دو سه روزی که گم کردیم ما در فراقش خون دل خوردیم ما
- ۲۴ آمدیم اکنون به جست و جوی او نیست ما را زندگی ۱۵ بی روی او"
- ۲۵ گفت: "کی من ۱۶ مصطفی را دیده ام؟ بلك او را از کسی نشنیده ام
- ۲۶ من ندیدم مصطفی را مردمان پس چه گویم من شمارا این زمان؟ ۱۷
- ۲۷ ليك سه روزی است آواز خروش از میان کوه می آید به گوش
- ۲۸ می رسد در گوش من هر ساعتی ناله یا امتی! یا امتی!
- ۲۹ جانور ۱۸ از ناله او خسته اند از چرا کردن دهان را بسته اند
- ۳۰ هر زمان از دیده می ریزند آب ۱۹ بسته اند از راه دیده راه خواب
- ۳۱ من نمی دانم که این آواز کیست؟ زین همه نالیدنش مقصود چیست؟"
- ۳۲ این سخن ۲۰ را چون شنیدند آن گروه روی آوردند جمله سوی کوه
- ۳۳ شد نمایان در میان کوه غار ۲۱ در درون غار آن صدر کبار
- ۳۴ سر به سجده مانده پیش بی نیاز با خدای خویشتن می گفت راز
- ۳۵ بس که رفته از دو چشمش خون دل روی پاک او فرو رفته به گل
- ۳۶ گریه می کرد و همی گفت: "ای اله ۲۲ تا نبخشی امتانم را گناه
- ۳۷ من نبردارم سر خود از زمین تا به روز حشر مانم ۲۳ این چنین"
- ۳۸ این چنین می گفت، می نالید زار اشک می بارید چون ابر بهار

- ۳۹ چون شنیدند این فغانش را ز در
جمله را از ناله اش خون شد جگر ۲۴
- ۴۰ گفت صدیق: "ای شفیع المذنبین
از کرم بردار سر را از زمین
- ۴۱ آنچه من در عمر طاعت کرده ام
آنچه در دنیا عبادت کرده ام
- ۴۲ آن ثواب او برای امتان
دادم ای پیغمبر آخر زمان"
- ۴۳ گفت حضرت: "که اطاعت دیگر است
کارِ امت را شفاعت دیگر است" ۲۵
- ۴۴ گفت پیغمبر مرا و را: "کای رفیق ۲۶
گرچه هستی بنده را یار و شفیق
- ۴۵ لیک زان شفقت نباشد هیچ نفع ۲۷
این خطا با این نگردد هیچ دفع" ۲۸
- ۴۶ بعد زان خطاب عادل همچنان
گفت: "ای غمخوار جمع عاصیان
- ۴۷ چونکه خود فرموده بودی بارها
عدل بهتر از جمیع کارها
- ۴۸ هر عدالت کز من ۲۹ آمد در وجود
وان چه کردم در جمیع عمر سود
- ۴۹ کردم این جمله ۳۰ فدای امتان
غم مخور دیگر برای امتان
- ۵۰ لطف کن سر را بردار از زمین
تا ببینم آن جمالِ نازنین"
- ۵۱ گفت حضرت: "این سخن نبود روا
عدل تو درد مرا نبود دوا" ۳۱
- ۵۲ بعد زانش گفت عثمان این چنین:
"کای پیغمبر ۳۲ سر بردار از زمین
- ۵۳ آنچه من خیرات کردم در جهان
آنچه قرآن جمع کردم اجر آن
- ۵۴ جمله را دادم به امت ای رسول
التماس بنده را می کن قبول"
- ۵۵ گفت: "نگشاید به اینها کار من
کی به این آسان شود ۳۳ دشوار من؟"
- ۵۶ بعد زان گفتش علی مرتضیٰ
از سر اخلاص پیش مصطفیٰ:
- ۵۷ "آنچه کردم از غذا در راه حق
وان چه کردم خیر در درگاه حق
- ۵۸ صرف کردم امتانت را همه
امتانِ عاصیان را همه ۳۴
- ۵۹ از سر لطف و کرم سر واکن
از مقام ۳۵ خویشتن ماوا بکن

- ۶۰ تا همه گردیم از تو مستفید نامرادان را مگردان ناامید
- ۶۱ گفت پیغمبر: "کزین ها سود نیست هیچ زین بخشش مرا بهبود نیست
- ۶۲ زین سخن مقصود حاصل کی شود؟ بنده را مطلوب ۳۶ حاصل کی شود؟"
- ۶۳ هر کسی اعمال خود را نفل و فرض ۳۷ پیش حضرت گر چه می کردند عرض
- ۶۴ عرض ایشان را نیفتادی ۳۸ قبول یکدم از گریه نیاسودی رسول
- ۶۵ این عزیزان را نشد چون آبرو جمله عاجز آمدند از گفتگو
- ۶۶ چون نشد مقصود حاصل زین همه کس فرستادند پیش فاطمه
- ۶۷ جمله می گفتند از که تا به مه: "ظاهراً از وی گشاید ۳۹ این گره"
- ۶۸ چون به آن خیرالنسا کردند خیر در زمان بگرفت چادر را به سر
- ۶۹ شد روان سوی پدر مانند باد پیش حضرت ۴۰ چون رسید آن حورزاد ۴۱
- ۷۰ دید او را در عجایب حالتی شد ازان حالت مر او را وحشتی
- ۷۱ گفت: "ای بابا چرا گشتی چنین؟ از چه رو افتاده ای اندر زمین؟ ۴۲"
- ۷۲ هیچ وقتی این چنینت خوار و زار کس ندیده بود زینسان بیقرار
- ۷۳ صبر می کردی همیشه در بلا این چنین در غم نبودی ۴۳ مبتلا"
- ۷۴ گفت حضرت: "چون نباشم ۴۴ این چنین نیست چیزی پیش من بدتر ازین
- ۷۵ آیتی آمد مرا وقت سحر امتانت را بسوزم در سقر
- ۷۶ در میان امتانت شیخ و شاب يك کسی خالی نماند از عذاب ۴۵
- ۷۷ من ز مادر ۴۶ وز پدر بگذشته ام در دو عالم امتان را گفته ام
- ۷۸ تا که ایشان در سرای آخرت حملگی یابند از حق مغفرت ۴۷
- ۷۹ چون رسید این حکم از پروردگار کی کنم قول دگر را اعتبار؟ ۴۸"
- ۸۰ فاطمه گفتا ۴۹: "اگر از بهر این ای پدر گر این چنین باشی غمین

- ۸۱ غم مخور ای سرور پیغمبران جان خود سازم فدای امتان ۵۰
- ۸۲ آنچه کردم طاعت از بهر خدا جمله را با امتان کردم فدای ۵۱
- ۸۳ آنچه خواهم کرد طاعت بعد ازین هم بیخشم، سر بردار از زمین“
- ۸۴ گفت حضرت: ”کار طاعت دیگر است ۵۲“
- ۸۵ کس به طاعت می کند خود را خلاص کی تواند کرد کاری عام و خاص؟“
- ۸۶ فاطمه چون دید در روی پدر ۵۳ گفت گویی زو نیاید کارگر
- ۸۷ گشت از پیش پدر چون نا امید رو بسوی حق تعالی آورید
- ۸۸ سر برهنه ۵۴ کرد، در سجده نهاد سیل خوناب از ره مژگان گشاد ۵۵
- ۸۹ گفت: ”ای پروردگار انس جان دستگیر جمله درماندگان
- ۹۰ ای خداوند کریم و کارساز از نیاز اهل عالم بی نیاز
- ۹۱ بیکسان را چون تویی فریاد رس کی رسد غیر تو ما فریاد رس؟ ۵۶
- ۹۲ هم به حق حرمت اشک پدر امتانش را ز دوزخ درگذر ۵۷
- ۹۳ هم به حق آب چشم این فقیر امتان عاصیان را دستگیر ۵۸
- ۹۴ این کنیزک را خدایا شاد کن جمله امت را ز غم آزاد کن“
- ۹۵ اندران دم هم بیامد جبرئیل ۵۹ مژده ای آورد از رب جلیل
- ۹۶ گفت: ”می گوید خداوند، ای رسول من دعای فاطمه کردم قبول
- ۹۷ جمله امت را بیمار زیدمش از سر لطف و کرم بخشیدمش ۶۰
- ۹۸ چون شفیع آورد ما را آب چشم آب چشم از ما فرو بنشاند خشم
- ۹۹ گر طلب کردی همه اهل جهان جمله را بخشیدمش در يك زمان“
- ۱۰۰ چون رسید ۶۱ این مژده از روح الامین بعد زان برداشت سر را از زمین
- ۱۰۱ تا بخشید امتانش را خدا آن علو همت نجیبیده ز جا ۶۲

۱۰۲. از آب چشم مصطفی و فاطمه مغفرت شد امتان را خاتمه
 ۱۰۳. اگر نبودی مصطفی پشت و پناه بود حال مردم عالم تباه
 ۱۰۴. امتان را مهر آن خیرالبشر بیشتر از مادر است و از پدر ۶۳
 ۱۰۵. الطفش ار ما را نبودی دستگیر ۶۴ جمله می گشتیم در دوزخ اسیر
 ۱۰۶. هر کسی کو دوستدار مصطفی است دوستدارِ چار یارِ با صفا است
 ۱۰۷. اَحَبُّ ایشان می دهد ز آتش نجات هر نفس بر روح ایشان صد صلوة ۶۵
 ۱۰۸. هست نظم پیرِ رومی فقیر از گرم او را خدایا دستگیر ۶۶

اختلاف نسخ خطی:

- ۱- ب: یاد دارم، ۲- ب: به تقدیر خدا، ۳- این ندا، ۴- به: بیت ندارد، ۵- ب: ای،
 ۶- ب: بیت ندارد، ۷- ب: زیشان، ۸- ا: ندیدیش، ۹- ب: سه روز، ۱۰- ا: زدرد
 ۱۱- ب: خطاب، ۱۲- ا: شد برون از حجره کس دیگر ندید، ۱۳- ا: يك چوپان،
 ۱۴- ب: گر، ۱۵- ب: نیست اکنون زندگی، ۱۶- ب: من کی، ۱۷- ب: بیت ندارد،
 ۱۸- ب: جمله حیوان، ۱۹- ب: بارند آب، ۲۰- ب: این خبر، ۲۱- ا: کوه زار،
 ۲۲- ا: گریه می کرد و همی گفت اله، ۲۳- ب: حشر باشم، ۲۴- ب: خونین جگر
 ۲۵- ب: بیت ندارد، ۲۶- ب: نادر رفیق، ۲۷- ب: هیچ هیچ، ۲۸- ب: هیچ هیچ،
 ۲۹- ا: هم عدالت کز من، ۳۰- ب: جمله را کردم، ۳۱- ب: بیت ندارد،
 ۳۲- ا: ای پیغمبر، ۳۳- ا: بود، ۳۴- ب: بیت ندارد، ۳۵- ب: در مقام، ۳۶- ا: مقصود،
 ۳۷- ا: اعمال خود نفل و فرض، ۳۸- ا: عرضه ایشان نیفتادی، ۳۹- ب: ازوی بر آید،
 ۴۰- ب: پیش پدر، ۴۱- ب: نیک زاد، ۴۲- ب: بنهاده ای سر بر زمین،
 ۴۳- ب: هرگز نبودی، ۴۴- ب: گفت چون نباشم، ۴۵- ب: چون شوند ایشان گرفتار عذاب،
 ۴۶- ب: چو ز مادر، ۴۷- ب: بیت ندارد، ۴۸- ب: بیت ندارد، ۴۹- ب: فاطمه گفت،
 ۵۰- ب: فدای جان شان،

۵۱- ب: آنچه طاعت کرده ام بهر خدا آنچه کردم پروی از مصطفیٰ
۵۲- ب: گفت حضرت را که طاعت دیگر است، ۵۳- ا: و نزد پدر، ۵۴- ب: رو برهنه،
۵۵- ا: سیل خون نابه ز مژگانش گشاد، ۵۶- ا: با فریاد کس، ۵۷- ب: از گناه امتانش در گذر،

۵۸- ب: هم به حق ذات پاک مصطفیٰ امتان عاصیش را کن رها
۵۹- ب: اندران ساعت بیامد جبرئیل، ۶۰- ب: بیت ندارد، ۶۱- ب: شنید،
۶۲- ا: نجنبیدش زجا، ۶۳- ب: بیت ندارد، ۶۴- لطف او را گر نبودى دستگیر،
۶۵- ب: بیت ندارد،
۶۶- ا: هست گفت این پیر رومی فقیر پادشاهها از کرم خود دستگیر

یادداشتها:

(۱) نوشاهی، سید خضر عباسی (۱۳۶۵ش)، فهرست نسخه های خطی فارسی، کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، گنجینه آذر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد

مثنوی در حکایت پیمبر (ص) بدون عنوانها در ۱۰۸ بیت

آغاز: يك حكایت یاد آمد از رسول

باد مقبول همه اهل قبول

انجام: هست گفت این پیر رومی فقیر

پادشاهها از کرم خود دستگیر

(۲) F: ۹/۸۳۰۳؛ نستعلیق معمولی، (عبدالقادر، ۱۲۵۳ق) نشان ها شنگرف، در

مجموعه ك ۶۱، ۵، ۶۵ ش

بشیر حسین، محمد (۱۹۶۸م) فهرست مخطوطات شیرانی، جلد اول، اداره تحقیقات

پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، ص ۱۶۹، شماره ۷ نسخه خطی ۹۵۹/۵ / ۴۰۱۱

آغاز: يك حكایت یاد دارم از رسول

باد مقبول همه اهل قبول

انجام: هست نظم پیر رومی این فقیر

از کرم او را خدایا دستگیر

(۳) منزوی، احمد (۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م)، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مجلد ۸، منظومه ها (۲)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ص ۱۵۱۰

مثنوی است در صد بیت، در حکایت به خشم در آمدن خداوند، از به خواب رفتن پیامبر (ص)، به کوه رفتن و مناجات ایشان و حضرت زهرا (ع)، و پذیرفته شدن مناجات حضرت فاطمه (ع) آغاز:

يك حکایت یاد دارم از رسول

باد مقبول همه اهل قبول

- ☆ اسلام آباد، گنج بخش ۸۶۴۳: نستعلیق پخته، سده ۱۱-۱۲ (ص ۷-۸۲ هامش) آغاز و انجام برابر نمونه
- ☆ اسلام آباد، همانجا، ۱۱۰۵۳: نستعلیق تحریری راسته و چلیپا، (۵۱۱۴۸) آغاز براب، ۹۶ بیت است. (ص ۱۶۵-۱۶۶)
- ☆ اسلام آباد، همانجا، ۹۵۳۹: نستعلیق راسته و چلیپا، سده ۱۲ه، آغاز برابر (ص ۱۷۱-۱۸۲)
- ☆ اسلام آباد، همانجا، ۹۷۰۷: نستعلیق چلیپا. سده ۱۲ق، آغاز برابر، انجام افتاده (ص ۱---)
- ☆ لاهور، دانشگاه، آذر ۸۳۰۳/۹-F: نستعلیق، (عبدالقادر، ۵۱۲۵۳) آغاز برابر (گ ۶۱-۶۵) (خضر نوشاهی: ۳۰۳)
- ☆ وهاری، میلسی، کتابخانه سردار جهندیر: نستعلیق، غلام حیدر بن غلام رسول، ۹ شعبان ۵۱۳۲۷/۱۹ اکتوبر ۱۹۰۴م)، آغاز برابر، روی هم ۹۶ بیت است (نعیم اختر مجددی)

- ☆ لاهور، دانشگاه، شیرانی ۱۹۵۹/۵ / ۱۱۰۱۱ / ۴۱: تاریخ یاد نشده، آغاز و انجام برابر نمونه (بشیر حسین: ۱)
- (۴) خانم شبانہ سحر در پایان نامہ ای برای اخذ درجہ دکتری بہ عنوان "استقبال مثنوی معنوی در پاکستان و ہند" کہ بہ شماره 88 T, pi, vi در کتابخانہ مرکزی دانشگاه لاهور نگہداری می شود، اثر یاد شدہ را سرودہ بھونی داس دانستہ است (شبانہ سحر، ۴۰۴-۴۰۹) کہ ظاہراً اشتباہ بہ نظر می رسد.

کتابشناسی:

- بشیر حسین، محمد (۱۹۶۸ م) فہرست مخطوطات شیرانی، جلد اول، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور
- شبانہ سحر (۲۰۰۸ م) استقبال مثنوی معنوی در پاکستان و ہند، پایان نامہ دکتر فارسی شماره 88 T, pi, vi
- منزوی، احمد (۱۳۶۶ ش / ۱۹۸۷ م)، فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی پاکستان، مجلد ۸، منظومہ ہا (۲)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ص ۱۵۱۰
- نوشاہی، سید خضر عباسی (۱۳۶۵ ش)، فہرست نسخہ های خطی فارسی، کتابخانہ دانشگاه پنجاب لاهور، گنجینہ آذر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد

